خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵
۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ و ۵ نوامبر ۲۰۲۶
شماره ۲۲۱۸۶
sarasari.khorasanonline.ir

یادداشت روز

جعفر یوسفی

زلزله در اردوگاه جنگ‌طلبان

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا لحظه بازگشت هزینه‌های جنگ به ساختار قدرت در واشنگتن بود. دولتی که می‌خواست با اعمال قدرت در خاورمیانه، اقتدار داخلی خود را تثبیت کند، اکنون با از دست‌دادن هر دو مجلس کنگره مواجه شده است. پیروزی دموکرات‌ها در کانزاس، جایی که از سال ۱۹۳۲ هیچ نامزد دموکراتی در انتخابات سنا پیروز نشده بود، نشان می‌دهد موج نارضایتی از مرز ایالت‌های رقابتی عبور کرده و حتی وفادارترین پایگاه‌های رأی جمهوری‌خواهان را نیز دچار ریزش کرده است. جنگ با ایران یکی از عوامل محوری این شکست بود؛ عاملی که هزینه‌هایش به درون جامعه آمریکا منتقل شد و خود ترامپ نیز ناچار به پذیرش نقش آن در شکست جمهوری‌خواهان شد.

اما قدرت ایران چگونه به متغیری در سیاست داخلی آمریکا تبدیل شد؟ پاسخ را باید در انباشت چند دهه‌ای توان دفاعی، تثبیت استقلال تصمیم‌گیری و شکل‌گیری ظرفیت مقاومت سیاسی و اجتماعی جست‌وجو کرد؛ مؤلفه‌هایی که حاصل تدبیر رهبر شهید بودند و به ایران امکان دادند هزینه رویارویی را از مرزهای خود فراتر ببرد و به درون معادلات قدرت در آمریکا منتقل کند. مقاومت در برابر تحمیل اراده نظامی، همراه با استفاده هوشمندانه ایران از ظرفیت‌های میدان و مذاکره، جنگ را برای واشنگتن طولانی و پرهزینه کرد. افزایش هزینه انرژی و فشار ناشی از آن بر معیشت آمریکایی‌ها نیز این هزینه‌ها را به نارضایتی داخلی پیوند زد و سرانجام به مجازات انتخاباتی حزب حاکم کمک کرد.

نظرسنجی رویترز پیش از انتخابات نشان می‌داد ۴۸ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده، هزینه زندگی را مهم‌ترین مسئله انتخاباتی خود می‌دانستند؛ همان گزارش از جهش قیمت سوخت پس از آغاز جنگ خبر می‌داد. این داده‌ها مسیر تبدیل جنگ با ایران به آسیب‌پذیری در سیاست داخلی آمریکا را روشن می‌سازند. نتیجه انتخابات را همچنین می‌توان مصداقی از آسیب‌دیدن دارایی‌های غیرمادی جریان جنگ‌طلب دانست. این شکست، اعتبار تصمیم‌های رئیس جمهور را زیر سؤال برد، اعتماد رأی‌دهندگان را کاهش داد، انسجام حزبش را تضعیف کرد و تصویر او را به‌عنوان رهبری توانمند در مدیریت جنگ مخدوش کرد.

خطای محاسباتی ترامپ این بود که تصور می‌کرد می‌تواند تجربه فشار بر سوریه یا ونزوئلا را در برابر ایران نیز تکرار کند و با ضربه‌ای سنگین، ایران را به تسلیم وادارد. اما در این محاسبه، به زمین سخت ایرانی برخورد کرد که شهید خامنه‌ای آن را معماری کرده بود و کار به جایی رسید که امروز سنگین‌ترین شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان رقم خورد.

بااین‌همه، شکست انتخاباتی ترامپ، تضمین پایان جنگ نیست. نخستین سناریو، افزایش انگیزه ترامپ برای دستیابی به توافقی است که بتواند او را از منجلاب جنگ نجات دهد. سناریوی دوم، بهره‌برداری دموکرات‌ها از تداوم جنگ است؛ پیروزی آنان در کنگره لزوماً به معنای تلاش برای پایان‌دادن به آن نیست. در این سناریو، ادامه جنگ می‌تواند دو منفعت برای آنان داشته باشد: نخست، فرسوده‌کردن موقعیت ترامپ و تحمیل هزینه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ به جمهوری‌خواهان تا انتخابات ۲۰۲۸، تا مسیر بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید هموارتر شود. دوم، پیشبرد سیاست‌های کثیف و پرهزینه‌ای مانند جنگ و ترور به دست دولت ترامپ؛ به‌گونه‌ای که ایران زیر فشار فرسایشی بماند و مسئولیت مستقیم این اقدامات متوجه رئیس جمهور جمهوری‌خواه باشد. در چنین محاسبه‌ای، آنان می‌کوشند هم از تضعیف رقیب داخلی بهره ببرند و هم فشار بر ایران را حفظ کنند؛ هرچند همراهی با ادامه جنگ می‌تواند خود دموکرات‌ها را نیز در هزینه‌های آن شریک کند.

اما برای ایران، دستاورد راهبردی زمانی کامل می‌شود که هزینه تحمیل‌شده در سیاست داخلی ترامپ، به تغییر رفتار و تعهدات قابل سنجش تبدیل شود. اکنون شکافی در پشتوانه سیاسی جنگ هم در واشنگتن و هم تل‌آویو پدید آمده است، بهره‌برداری از آن به ترکیب بازدارندگی، ترمیم اقتصاد، حفظ اعتماد عمومی و دیپلماسی دقیق نیاز دارد. معیار موفقیت ایران، عمق شکست یک حزب آمریکایی نیست، میزان امنیت و منفعت پایداری است که می‌تواند از این تغییر موازنه برای کشور به دست آورد.

رهبر انقلاب با بیان این که تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر است، انسجام اجتماعی را عنصر اصلی موفقیت در این مسیر دانستند

وحدت برای ایران هرچه قوی‌تر

گروه سیاسی- **حضرت آیت‌ا... سید مجتبی خامنه‌ای با بازخوانی دهه‌ها خصومت آشکار آمریکا با مردم ایران در برهه‌های مختلف، به دائمی و هرروزه شدن ایام ایستادگی و مبارزه مردم ایران با شیطان بزرگ اشاره و تصریح کردند: دشمن در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیت میدانی و صخره‌های استوار اراده ملت غیور ایران مواجه شده است. رهبر معظم انقلاب همچنین تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق را استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه دانستند و بار دیگر بر ضرورت تداوم حمایت‌های متقابل ملت و مسئولان تأکید کردند. متن پیام حضرت آیت‌ا... سید مجتبی خامنه‌ای به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی به این شرح است:**

بسم‌الله الرحمن الرحیم

امروز، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و روزی است که مجموعه‌ای از نقاط عطف صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل، و جبهه مظلوم در مقابل جبهه ظالم را در خود جمع نموده است. شاید بتوان گفت سیزدهم آبان امسال، ملت ایران تکلیف خود را با آمریکای جنایتکار روشن‌تر و شفاف‌تر از هر سال دیگر می‌داند، اما مرور ریشه‌ها، دلایل و نقاط عطف خصومت روزافزون آمریکا و صف‌آرایی مستحکم ملت ایران در برابر آن، چراغ راه آینده این مسیر است.

نقطه آغازین ظلم آمریکا علیه ملت ایران، به بیش از هفت دهه قبل می‌رسد؛ آنگاه که کودتای بیست‌وهشتم مرداد را برای استمرار چپاول منابع و سرمایه‌های ملی خصوصاً نفت برپا کرد. دهه‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز دورانی بود که حکام آمریکا تلاش وافری برای غارت دارایی‌های ملت ایران به عمل آوردند. در این مسیر با تأسیس ساواک و مسلط ساختن فضای سنگین امنیتی بر جامعه، دست حکومت جائر آن زمان را برای اقدام به سرکوب هر حرکت معترضانه‌ای بازتر کردند. در آستانه پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هم از انواع ترفندها برای حفظ حکومت دست‌نشانده خود استفاده نمودند. از رفتار خصمانه آنان در دوران پس از پیروزی انقلاب عظیم ملت ایران نیز می‌توان فهرستی طویل از اقدامات ضد مردمی آنان را ارائه داد که شامل حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و کودتاگران و منافقین کوردلی که علاوه بر نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی، انبوهی از مردمان عادی را با سنگدلی به شهادت می‌رساندند؛ پشتیبانی مستقیم و همه‌جانبه از حزب بعث در جنگ تحمیلی اول، کشتار غیرنظامیان هواپیمای مسافربری، تحریم‌های گسترده طولانی و سنگین اقتصادی، طرح‌ریزی و حمایت از آشوب‌ها و فتنه‌های متعدد و حتی پشتیبانی تسلیحاتی از آن‌ها، ترور سردار سلیمانی قهرمان ملی ایران و امت اسلامی؛ دزدی اموال و دارایی‌های ملت ایران در کشورهای مختلف؛ و سرانجام تهاجم مستقیم نظامی در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و به شهادت رساندن جمع زیادی از نخبگان و دانشمندان و فرماندهان و خیل کثیری از مردم مظلوم ایران از نوزادان و نونهالان تا کهن‌سالان و در رأس همه آن‌ها رهبر عظیم‌القدر انقلاب اسلامی قدس‌الله نفسه الزکیه می‌باشد.

در تمام این مراحل، سردمداران مستکبر آمریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطه خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبنده بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به دنبال تجزیه کشور، زانو زدن ملت، فروپاشی نظام و نابودی تمدن اصیل و کهن ایران هستند. والبته در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیت میدانی و صخره‌های استوار اراده ملت غیور ایران مواجه شده و نتیجه محاسبات غلط و توهمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم آمریکا و حکومت‌های دست‌نشانده دولت آمریکا گذاشته‌اند.

اکنون داستان دشمنی دیرینه آمریکا با ملت مسلمان ایران و مقاومت غیورانه همه ایرانیان در مقابل این دشمن به جایی رسیده که نه فقط سیزدهم آبان بلکه همه روزها و ساعات، ایام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است. اینک صحنه خلیج فارس خصوصاً تنگه هرمز همچنان‌که بطلان افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا را رقم زده است، ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملت خویش اتکا می‌کنند و بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده‌شان را نشان می‌دهد. اِعمال مدیریت ایران بر تنگه هرمز و از بین بردن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای منطقه اگر چه عکس‌العملی به تجاوز و جنایت آمریکا در جنگ تحمیلی سوم بود، اما در عین حال جهادی ابتدایی علیه استکبار در ابعادی منطقه‌ای نیز محسوب شده که در صورت تکرار تعدیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. این نشانه اقتدار، درکنار وحدت ساحات جبهه حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانه جبهه مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبهه حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است؛ چراکه هرگاه جبهه حق، توکل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبهه باطل با هر قدرت و توان و هر که و هر چه باشد، در برابر آن تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که اِنَّ الباطلَ کانَ زَهوقا. بحمدالله ملت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشریف به خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساخته مستکبران، قدرت و سلطه رو به زوال آمریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.

کمترین گرایش تسلیم‌آمیز، دشمن مستکبر را جری‌تر خواهد کرد

اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصور می‌کنند با امتیاز دادن به آمریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملت مسلمان ایران در سایه توکل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایه عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.

تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفقیت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملت و مسئولان حاکم باشد. در این زمینه همچنان‌که حمایت‌های ملت از مسئولان، امری لازم است، استمرار و ارتقاء توجه مسئولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیت با مردم و تأمین معیشت و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و استقلال آنان نیز دارای اهمیت است. قشر پیشرو برای ساختن آینده روشن و شکوهمند ایران عزیز، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان‌مان هستند که می‌بایست به صورت مستمر در پی تسخیر و ویران‌سازی لانه تاریک «یأس و ناامیدی و نشدن‌ها» و فتحِ خانه روشنِ «امید و ما می‌توانیم» باشند. لازمه این مأموریت، ورزیدگی فوق‌العاده و مجهزشدن به انواع سلاح‌های علم و تقوا و مهارت و اخلاق و اراده و تلاش فوق‌العاده و «هم‌عهدی» برای رسیدن به اهداف والا است. امید است به لطف الهی و دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، ملت ایران پیروزی و سعادت و پیشرفت همه‌جانبه‌ای را هر چه زودتر تجربه نموده و اسباب افول هر چه بیشتر و سریع‌تر سلطه شیطان بزرگ فراهم شود. اِنهم یَرونهُ بعیداً و نَراهُ قریباً.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۳/آبان/۱۴۰۵

حرف مردم

تماس: ۳۷۰۰۹۳۰۰-۰۵۱
شبکه‌های اجتماعی: ۰۹۳۳۵۳۲۶۸۹۱

انعکاس صادقانه پیام‌های شما

چرا افزایش رقم کالابرگ و ترمیم حقوق یک ضرورت است؟ قیمت ها را بالا نبرند پایین بیاورند یا حداقل ثابت نگه دارن نیاز به افزایش حقوق و کالابرگ و ... نیست ولی کو گوش شنوا و کو عقل دانا؟

قیمت ها در یک سال دو برابر شده. قدرت خرید و قدرت حقوق نصف وکمتر از نصف شده. اون وقت کالابرگی که دو سه میلیون می شه هم ارزشش نصف شده و مبلغ ناچیز است.

با فضاحت تاریخی که«ترامپ» برای جمهوری‌خواهان به بارآورده و آن را تبدیل به شکست راهبردی آمریکا درقبال ایران کرده، آیا سرنوشتی مشابه سرنوشت «کندی» درانتظار او خواهد بود؟

آمریکایی جماعت، دشمن مردم و خاک ایرانه. چه می خواد دموکراتش باشه چه می خواد جمهوری خواه باشه. انتخاباتش هم فرمالیته است.

سال هاست که مسئولان فرهنگی ما کرکره رو کشیدن پایین و رفتن عشق و حال. اگه به این ها امیدی بود که رهبر شهید به جوان ها نمی‌گفت درحوزه فرهنگ، آتش به اختیار عمل کنند.

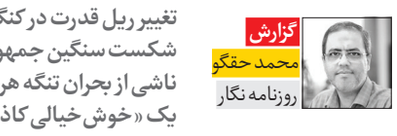
چرا در برخی مدارس دولتی، هر روز به بهانه برگزاری جشن و مراسم مختلف، مبالغ زیادی از خانواده‌ها دریافت می‌کنند؟ یا برای برگزاری امتحان از بچه‌ها پول می‌گیرند؟ از چه زمانی امتحان گرفتن پولی شده است؟ با این اوضاع اقتصادی، اگر قرار بود این‌همه هزینه پرداخت کنیم، فرزندمان را به مدرسه غیردولتی می‌فرستادیم.

نظارت فقط برافزایش حقوق کارمندها و بازنشسته ها هست، درسال یک بار ۲۵ درصد افزایش حقوق اعمال شده برای ما کارمندها، درحالی که تو این۱۲ ماه اخیر، این چهارمین دفعه است که خودرو افزایش قیمت داشته (تو ۱۲ ماه ۲۵۰ درصد گران شده، یعنی۱۰ برابر افزایش حقوق بازنشسته ها).

لطفاً فکری به حال معلمان حق‌التدریس کنید. وعده و وعید کافی است؛ حقوقمان کم است و هزینه رفت‌وآمدمان بالاست.دلمان می‌خواهد با حال خوب سرکلاس برویم، چون شغلمان و دانش‌آموزان را دوست داریم. لطفاً فکری به حال ما کنید.

فرمول مهار ترامپ با شوک خزانه‌داری

پیروزی دموکرات‌ها در کنگره به معنای پایان تهدید واشنگتن نیست؛ چرا تنگه هرمز ضامن «بازدارندگی پایدار» ایران باقی می‌ماند؟



گزارش
محمد حقگو
روزنامه نگار

تغییر ریل قدرت در کنگره آمریکا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای ۳ نوامبر و شکست سنگین جمهوری‌خواهان، محصول مستقیم زلزله تورم سوخت ناشی از بحران تنگه هرمز و گازوئیل بود. با این حال، این رخداد نباید به یک «خوش‌خیالی کاذب» در داخل بینجامد. تجربه نشان داده دونالد ترامپ در دو سال باقی مانده ریاست‌جمهوری خود چه در اصطکاک با کنگره دموکرات و چه در توافقی پشت‌پرده بر سر پرونده‌های خارجی ممکن است برای فرار روبه‌جلو، پدال تنش نظامی و امنیتی با ایران را محکم‌تر بفشارد. در چنین مختصاتی، تنها معادله‌ای که می‌تواند ضامن «بازدارندگی پایدار» باشد، هدف‌گیری مستقیم ماشین تأمین مالی جنگ در واشنگتن است؛ وضعیتی که هزینه استقراض و نرخ بهره آن چنان بالا بماند که شلیک هر موشک و اعزام هر ناوگروه، عملاً ترازنامه وال‌استریت و خزانه‌داری آمریکا را هدف قرار دهد.

صورتحسابی که ترامپ را در سراشیبی قرار داد

محاسبات کاخ سفید، پیش از آن‌که پای صندوق‌های رأی به چالش کشیده شود، در پمپ‌بنزین‌ها، شبکه ترانزیت کالا و تالارهای وال‌استریت شکست خورد. ایران طی ماه‌های گذشته با فعال‌سازی اهرم‌های انرژی پیرامون تنگه هرمز که با تنگنای جهانی عرضه گازوئیل ناشی از آسیب پالایشگاه‌های روسیه هم‌افزا شد پاشنه‌آشیل واقعی اقتصاد غرب را نشانه رفت. این مانور دقیق مالی، فدرال‌رزرو را در تله «رکود یا تورم بیشتر» گرفتار ساخت؛ به‌گونه‌ای که مهار قیمت‌ها تنها با قفل کردن اقتصاد در نرخ‌های بهره بالاتر و سیاست انقباضی ممکن شد. جدول رو به رو، سند عینی صورت حسابی است که کارزار ترامپ ناچار شد پای صندوق رأی تسویه کند.

ارقام این جدول به وضوح نشان دادند که چگونه شوک سوخت، پایگاه رأی ترامپ را ذوب کرد. اما پرسش حیاتی برای اتاق‌های تصمیم‌گیری در تهران این است: آیا هدف ایران صرفاً باخت جمهوری‌خواهان بود، یا ایجاد قفلی ساختاری بر ماشین نظامی آمریکا؟ پاسخ در درک یک پدیده استراتژیک نهفته است: «لحظه لیز تراس» در نیویورک.

بازسازی «کابوس لیز تراس» در نیویورک؛ مثلثی که واشنگتن را قفل می‌کند

در پاییز ۲۰۲۲ در لندن، رویدادی رخ داد که دکترین‌های کلاسیک مالی را باطل کرد. در شرایط عادی، بازارها نقش ضربه‌گیر یکدیگر را دارند: با ریزش بورس، سرمایه‌ها به پناهگاه اوراق قرضه می‌روند و با افزایش سود اوراق، تقاضا برای خرید ارز ملی بالا می‌رود. اما در پدیده‌ای موسوم به «لحظه لیز تراس»، این پیش‌فرض نابود شد و مثلث سه‌گانه «ارز ملی»، «اوراق بدهی» و «شاخص سهام» به شکل زنجیره‌ای و همزمان فرو ریخت. تصویر این لحظه برای آمریکا به این صورت می تواند باشد.

۱. حراج در بازار اوراق بدهی: با کاهش اعتماد نسبت به آینده دلار و قطعیت تداوم تورم انرژی، خریداران نهادی و بانک‌های مرکزی خارجی به جای خرید، دست به حراج سنگین اوراق می‌زنند. سقوط قیمت اوراق، بازدهی آن‌ها را تا سطوح بحرانی بالا می‌برد و هزینه استقراض دولت را به شدت افزایش می دهد.

۲. تخلیه حباب وال‌استریت: با پرواز نرخ بهره بدون ریسک به بالای ۵ درصد، نگهداری سهام پرریسک دیگر توجیه ندارد. همزمان، هزینه بهره بدهی بنگاه‌های تولیدی و بانکی جهش یافته و حباب بورس می‌ترکد.

۳. کاهش اعتبار دلار برای پناهگاه امن: در شرایط عادی، با جهش نرخ بهره، دلار تقویت می‌شد؛ اما در سناریوی لیز تراس و شرایط حاد بحران اعتبار بدهی، بازار به این نتیجه می‌رسد که بدهی آمریکا از نقطه بازگشت عبور کرده است. در نتیجه سرمایه‌ها به پناهگاه اسکناس سبز نمی‌روند و به جای بازچرخانی دلارهای نفتی در دارایی‌های آمریکا، طلا و کالاهای پایه اوج می‌گیرند و هژمونی دلار ترَک برمی‌دارد.

در لندن ۲۰۲۲، این فاجعه سه‌گانه نخست وزیر وقت بریتانیا را ظرف ۴۴ روز ساقط کرد. نمونه آزمایشی این شوک در واشنگتن، در ۲ آوریل ۲۰۲۵ در پی تشدید جنگ تعرفه‌ای رخ داد؛ جایی که افت همزمان دلار، اوراق و سهام، کاخ سفید را وادار به ترمز اضطراری کرد. بازسازی این کابوس در نیویورک یعنی محروم کردن واشنگتن از کارت اعتباری نامحدودش.

پاشنه‌آشیل ۳۶ تریلیون دلاری

قطعاً تصویر بالا به راحتی قابل ترسیم نیست. اما نمی توان گفت که حرکت در آن سو نیز ممکن نیست. امروز کوه بدهی فدرال آمریکا از ۳۶ تریلیون دلار عبور کرده و داده‌های مالی حاکی از افت شدید «خالص خرید رسمی خارجی‌ها» (بانک‌های مرکزی و صندوق‌های توسعه‌ای بلندمدت) است. تا پیش از این، رشد چند غول فناوری و هوش مصنوعی وال‌استریت توانسته بود شاخص‌ها را تصنعی سرپا نگه دارد؛ در حالی که زیر پوست اقتصاد، بخش مسکن، بانک‌های منطقه‌ای و صنایع زیر بار نرخ‌های بهره بالا به نفس‌نفس افتاده‌اند.

در این شرایط، ادامه راهبرد نامتقارن انرژی ایران و منجمد کردن تورم در سطوح بالا، فدرال‌رزرو را وادار می‌کند نرخ بهره را در اوج نگه دارد. با رسیدن نرخ بهره اوراق به نزدیکی ۵ درصد، خروج سرمایه از وال‌استریت تسریع شده و خزانه‌داری به مرور (و با سررسید شدن بدهی‌های قدیمی) در تله‌ای گرفتار می‌شود که هزینه سالانه بدهی آن به بالای ۱.۳ تریلیون دلار می‌رسد؛ رقمی که از کل بودجه نظامی پنتاگون نیز فراتر خواهد رفت! در چنین شرایطی، دولت آمریکا حتی توان مالی اداره تعهدات جاری خود را نخواهد داشت، چه رسد به تأمین مالی یک جنگ منطقه‌ای جدید و پایه‌های یک بازدارندگی پایدار در آن شرایط امکان شکل‌گیری خواهد داشت.

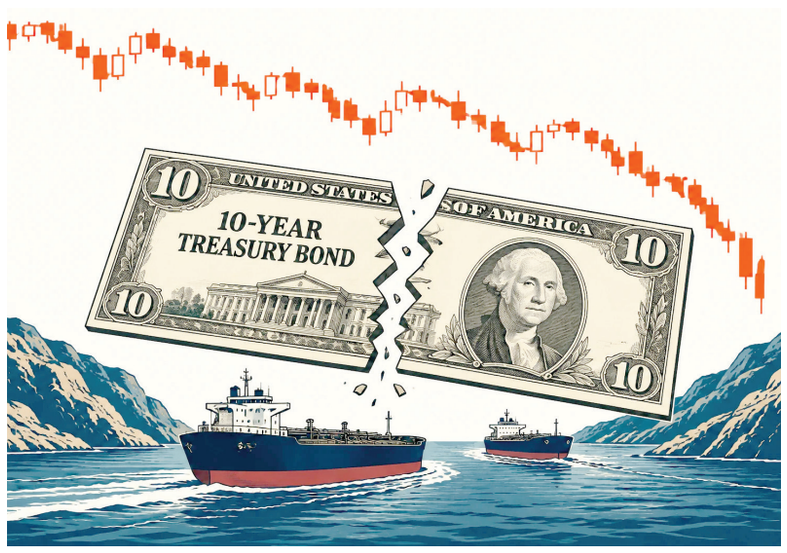
دموکرات‌ها فرشته نجات نیستند؛ مهار ترامپ در کجاست؟

این جاست که باید با یک خطای ادراکی خطرناک در محافل سیاسی داخلی مقابله کرد. تکیه بر این فرض غیرعقلانی که ورود اکثریت دموکرات به کنگره، خود به خود مانع تحرکات نظامی علیه ایران می‌شود، خطایی محاسباتی است. حتی می توان این برآورد را داشت که رئیس جمهور مستقر آمریکا که در سیاست داخلی هم اینک در حال زمین‌گیرشدن است، با تکیه بر اختیارات فرماندهی کل قوا، بیش از هر زمان مستعد «ماجراجویی نظامی خارجی برای فرار روبه‌جلو» است.

در نتیجه فرمول مهار ترامپ زخمی، دخیل بستن به راهروهای کنگره نیست؛ در قفل کردن حساب بانکی او در خزانه‌داری آمریکا نهفته است.

اگر ایران تحت تأثیر سیگنال‌های دیپلماتیک یا توافق‌های شکننده، اهرم تنگه هرمز را سست کند، تورم انرژی تخلیه شده، فدرال‌رزرو نرخ بهره را تعدیل می‌کند و خزانه‌داری با دستی بازتر، مجدد بستر مالی لشکرکشی‌ها را فراهم می‌سازد.

روشن است که این دکترین به معنای انسداد کور یا خودتحریمی آبراه نیست، بلکه بر مدیریت هوشمند این تنگه استوار است؛ ابزاری که بدون درگیرکردن شریان‌های حیاتی تجارت ملی، جریان سوخت غرب را گران و متزلزل نگه می‌دارد. تنگه هرمز یک شاهراه ساده عبوری نیست؛ وثیقه زنده‌ای است که به شکل معکوس، به‌عنوان رگولاتور نرخ بهره در نیویورک عمل می‌کند. تا زمانی که هزینه استقراض واشنگتن زیر فشار این اهرم در مرز بحران بماند، هر اراده‌ای برای حمله نظامی، پیش از اتاق جنگ، پشت ترازنامه ورشکسته خزانه‌داری متوقف خواهد شد.



عنوان شاخص / کالا	پیش از بحران (اواخر فوریه ۲۰۲۶)	وضعیت جاری (۴ نوامبر ۲۰۲۶)	درصد رشد / تغییر	پیامدها و کارکرد در نبرد نامتقارن
نفت خام برنت (بشکه)	۷۲.۸۷ دلار	۱۰۲.۱۷ دلار	+۴۰.۲٪	تثبیت بالای ۱۰۰ دلار و شارژ انتظارات تورمی جهانی
بنزین در آمریکا (گالن)	۳.۱۴ دلار	۴.۱۲ دلار	+۳۱.۲٪	اصابت مستقیم به سبد معیشت خانوار آمریکایی و ریزش آرای حزبی
گازوئیل آمریکا (گالن)	۳.۸۹ دلار	۶.۲۷ دلار	+۶۱.۲٪	اختلال شریان لجستیک و تحریک هسته تورم چسبنده
بازدهی اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری	۳.۹۵ درصد	۴.۹۲ درصد	+۲۴.۶٪	جهش سنگین هزینه استقراض و تأمین مالی کسری بودجه آمریکا
نرخ تورم (نقطه ای) آمریکا	۲٫۴ درصد	۳٫۷ درصد	۱٫۳ واحد درصد	افزایش میانگین تورم به بالای ۳.۶٪ (در قیاس با ۲.۷٪ سال ۲۰۲۵)